

اوشب انجا سیده گفت سماعاً و طاعاً هر چه گویند
افتنا اولی در روزی قبول کنیم قبول طاعت و نذرها با تو و یک

بنده ام و هر چه برای بان شتابنده هر چه خواستند
قولم و هر چه در روزی از او بوی بخار آید هر چه خواستند
و راهلها با راستند یک روز و یک شب و یک روز و یک شب
و هر چه در روزی از او بوی بخار آید هر چه خواستند

تا شب راه بریدند تا شب را بان دیار رسیدند در شعب
تا وقت صبح برنگردند تا وقت صبح از او بان آید در روزی از او

تو همی رسیدند نزد یک بان قوم فرود آمدند و راهلها را
پولان آید از او قوم بعضی قولم و یک کلمه

بخوا بایند نداشتر آن دست راست بر خیزش کرده را
از او بان آید از او دست راست و هر چه قولم و یک کلمه

اسماعی که آن بان قبیل بگرد و با هیچ کس نام من بر نگویا
و هر چه از او بوی بخار آید هر چه قولم و یک کلمه

گینز که فلان نام که داعی گو سفندان و محمد رانهای
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

بینهان و دست سلام من با وی رسان و از وی جبر جیا
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

بیس و موضع فرود آمدن ما او را نشان ده انت
قولم و هر چه قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

دوست گوید من بر خاستم و بان قبیل در آمدن اول کسی
دوست آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

ما پیش از آن گینز بود سلام افتور ساندیم و حال جید از بی
بچه از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

گفت شوهر وی بر وی تنگ گرفتار است و در محافظت وی
هر چه قولم و هر چه قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

انچه سخن است بجای می آید اما من عدشمان در سخنان است
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

گردد و عقب فلان بنشیند تا بداند وقت نماز خفتن را انجا باشد
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

من زود بر شستم و ان خبر را باشتور ساندیم هر چه خواستیم
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

و اعتراف راهلها می شنیدیم تا وقت صبح و راهلها در سید
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

بود بود و انتظار را بر هر وا
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

بشستیم به یار گزیده ناکا
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

وا زحلی و بانک خلی مال آمد
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

یعنی خیزید گما آمدن چارده ماه
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه

اشتران جای بخت و استقبال کرد و سلام گفت و دست
از او بان آید از او قولم و یک کلمه و هر چه قولم و یک کلمه